

مثلث منفور

کاسه لیسان و پاسداران سلطنت

به تایید نظر دوستان، ما در وضع و شرایطی قرار داریم که نباید به موضوعات فرعی مشغول میشدیم. اوضاع رقت بار کشور حکم نموده و مینماید تا همه وطنپرستان و ترقی خواهان رسالتمند در یک صف واحد در برابر توطئه ها و دسایسی که در کشور بلا کشیده ما در حال به وقوع پیوستن است قرار میداشتیم با تأسف و تأثر فراوان که دشمن غدار و مکار قبل از ما دست بکار شده و از میان زباله های تاریخ مسایل نظیر شهادت (پنج هزار نفر) را که مدتها از آن سپری شده و از آنوقت تا اکنون شصت و پنج هزار نفر در جنگ تنظیم های جهادی و حدود هفتاد هزار نفر در جنگ به اصطلاح جامعه جهانی (ناتو) و طالبان شرارت پیشه و مزدور به شهادت رسیده اند و کشور هنوز در اشغال و سیطره امپریالیزم قرار دارد و میخواهند با انتخابات قلابی زیر چتر ناتو بنام دولت به اصطلاح منتخب سر مردم را شیره بمالند و با تدویر لویه جرگه ای فرمایشی به اسارت دایمی زیر نام معاهده امنیتی به پایگاه های نظامی امریکای سلطه گر قانونیت بخشند، و برای اغواء و فریب عوام ناس از شهدای که خود حزبی ها هم در آن شامل بودند نعره ریاکارانه سر میدهند.

در این روز های که از چهره های کاندیدان ریاست جمهوری این قاتلان، طیاره دزدان، قطاع الطریقان، دو تابعیته ها قاچاق بران مواد مخدر و جاسوس های پاکستانی ایرانی عربی، انگریزی و امریکایی پرده برداشته میشد تلویزیون لجن پراگن مسکین یار با دستگیری حسن سیغانی امیری بدنام و تروریست که خودش با طمطراق اعمال تروریستی اش را جنگ چریکی معرفی میکند با ناسزا گوئی فحش و دشنام به انسان های آزاده با تقوا و وطنپرست فضا را غبار آلود میسازند تا در لای غبار از ناسزا و دروغ چهر منفور خود و متحدان جنایت پیشه خود را بیوشانند و مردم شریف کشور را بفریبند. خوشبختانه اکثریت قاطع مردم افغانستان اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان را به حیث وطنپرستان پرشور و خدمت گذاران صدیق خویش میشناسند. حساب مسکین یار حسن امیری تروریست این کاسه لیسان سلطنت ظاهر خانی و هاشم خانی از حساب مردم ما جدا است.

با مراجعه به سایت وزین «اصالت» در بخش «دیدگاه‌ها» - بخش آزاد سایت- با مطالعه چرندیاتی با چهره منفور دیگری آگاهی حاصل شد که هرگز از ایشان انتظار این چینی نداشتیم، آقای صدیق رهپو که در زمان به اصطلاح جنگ سرد رهپو شد و رئیس کابل تایمز و معاون کمیسیون روابط بین المللی حزب هم شده بود بعد از سقوط حاکمیت و تسلط ارتجاع در کشور و جهان یعنی پایان (جنگ سرد) فضا را طور دیگری دید و دیدگاهش تغییر پذیرفت نخست به اقتضای زمان سجره طرزی اش را بالا کشید تا خود را در قطار سلطنت طلبان بار دیگر جا دهد اپورتونستانی دیگری خود را نوابی ساختند جسور ها خود را اسحاق زائی مسما کردند تا تازه به دوران رسیدگان جدید آنها را از خود بدانند.

چه دنیای عجیبی است به جای اینکه اپورتونستی را از چهره بزدایند موضعگیری ارتجاعی خویش را دیدگاه نوین؟؟؟ جلوه میدهند.

دیدگاه اپورتونستی جناب شان را در ارتباط به فیلسوف نمائی شان که از کارل مارکس و نظریاتش سخن میرانند جسارت و دیده درائی شان پیرامون لنین کبیر رهبر پرولتاریای جهان و استالین دشمن آشتی ناپذیر فاشیزم و سپس بنیانگذاران حزب دموکراتیک خلق افغانستان شاد روان نور محمد تره کی و ببرک کارمل و قیام هفت ثور هر آنچه از دهن متعفن شان برون آمده و بروی کاغذ ریخته اند جز یک مشت اراجیف سر هم بندی شده بیش نیست و بحث روی آن از صلاحیت من و جناب فیلسوف ابن الوقت فرسخ ها به دور است و لازم نمیدانم وارد این بحث بزرگی که فرجامی ندارد گردم.

اما از آنچه که به حزب دموکراتیک خلق افغانستان و افتخارات آن مربوط میشود اندکی مکث مینمایم.

در اراجیف که بنام دیدگاه آمده است جناب شان سوم عقرب را ماجراجویانه خوانده و درست در پهلوی قوم شان سردار عبدالولی جلال سلطنت که قاتل آن واقعه المناک بود قرار میگیرند. چه افتخار بزرگی که من یکی از شرکت کنندگان آن مظاهره بودم و مورد لت و کوب قرار هم گرفته ام. جالب این است که این مظاهره را ضد آزادی و دموکراسی هم قلمداد کرده اید شرم تان باد!

مطلب دیگر حمله نا مردانه تان بر مظاهر ضد اسپيرو اگنیو معاون رییس جمهور وقت آمریکا است که من افتخار اشتراک در آن را نیز داشتم و با این گونه موضعگیری راساً به دفاع نماینده امپریالیزم آمریکا میبایید تا از آمریکا پاداش خدمت بدست آورید و این تظاهرات هم به دستور حزب صورت گرفته بود که حال شما در ضدیت به آن قرار دارید مطمئن باشید پاداش شما تابع مرور زمان شده و شما از آن سودی دریافت نخواهید کرد. افسوس است به حال تان! این که کارمل را به خاطر سویتیسیت بودنش مورد "انتقاد"

قرار داده اید مگر شما با داشتن ضدیت به سویتیزم میتوانستید معاون روابط بین المللی و رئیس کابل تایمز شوید که ابداً لطفاً به خود دروغ نگوید. به دیگران که خیر؟؟

از همه شرمناکتر اینکه از موضع حزب که هرگز خط منحوس دیورند را برسمیت نمیشناسد فراکسیون پارلمانی حزب با قاطعیت موضع میگیرد نزد جناب شان هراسناک است. کار هر بلهوسی نیست گذشتن از سر- صفت عاشق مردانه بود سربازی.

در رابطه به موضعگیری حزب در پارلمان سلطنتی علیه بانک جهانی و در مخالفت به آن را ضدیت با کشور های به زعم شان آزاد و دموکراتیک چون امریکا، بریتانیا، فرانسه، جرمنی و . . . معرفی میدارد. جناب شان فکر میکنم هیچوقت عضو صادق حزب نبوده و تمام عمر را با حقه بازی و دو روئی در حزب گذرانده است. چه این آقای که در یکی از بلند ترین مقام های حزبی خود را با فریب کاری رسانیده باید از جانب دشمنان حزب برایش تحسین نامه بفرستد. زیرا حزب این کشور ها را کشور های بورژوا امپریالیستی و بریتانیا را استعمارگر کهنه کار میخواند نه آزاد و دموکراتیک!!!

این آقای که تبارش را بعد از سقوط حاکمیت حزب برخ مردم میکشد و خود را از قوم طرزی معرفی میکند میخواهد او را مانند شیادان چون مسکین یار و امیری کاسه لپسان و پاسداران دودمان سلطنت بشناسند که دو منفورش از بیرون و یک منفورش از درون در این برهه از زمان آب به آسیاب ارتجاع و امپریالیزم میریزند.

م. ن. راوی